

# روزنامه‌های ملی،

## نفت شمال

### و خانواده‌ی آذربایجان

دکتر محمدرضا جلالی نائینی

رئیس اسبق کانون وکلای دادگستری

#### یادداشت سردبیر

در گردهمایی «بررسی مطبوعات در جریان ملی کردن نفت ایران» که به ابتکار «موسسه‌ی تاریخ معاصر ایران» در روز یکشنبه ۲۰ آذر ۱۳۸۴ به شرح گزارش آقای مجید مهران در همین شماره، با حضور جمعی از چهره‌های درخشان فرهنگی و اجتماعی برگزار شد، استاد دکتر محمدرضا جلالی نائینی از موسسان «جبهه‌ی ملی ایران» بخشی از خاطرات ارزنده‌ی خود را بیان کردند. استاد جلالی نائینی، مدیر روزنامه‌ی کشور، عضو ارشد تحریریه‌ی روزنامه‌ی باختر امروز، رئیس اسبق کانون وکلای دادگستری و سناتور اسبق و مؤلف و مصحح ده‌ها کتاب ارزشمند از تعریف مستغنی‌اند. اما چون در آن مجلس فرصت کافی برای بیان خاطرات ایشان فراهم نبود و احتمال می‌رود انعکاس سخنان ایشان در نشریات، وافی به مقصود نباشد، از ایشان خواهش کردم که خاطرات خود را که در آن گردهمایی به اختصار به‌طور شفاهی بیان کردند، به تفصیل برای خوانندگان ما مکتوب فرمایند. امیدواریم گزارش این بخش مهم از تاریخ سیاسی معاصر مقبول خوانندگان فرهنگمند واقع شود.

□ پس از سوم شهریور ۱۳۲۰ که قوای نظامی دولت‌های شوروی و انگلستان برخلاف کلیه‌ی مقررات بین‌المللی به ایران تجاوز کردند، ماموران و مقامات شوروی و انگلستان به ایران آمد و شد می‌کردند و دولت ایران غالباً از ورود و خروج آنان بی‌اطلاع بود. روز ۲۳ شهریور ۱۳۲۳، کافتارادزه معاون کمیساریای امور خارجه‌ی اتحاد جماهیر شوروی به تهران وارد شد و خبرش در پاره‌یی از روزنامه‌ها انتشار یافت، ولی معلوم نبود که برای چه منظوری آمده است.

کافتارادزه روز ۱۳ مهرماه در روزنامه‌ی اطلاعات با شادروان عباس مسعودی مدیر آن روزنامه مصاحبه‌یی کرد و در آن مصاحبه روشن شد که برای گرفتن امتیاز نفت شمال آمده است. او حضور خود

را چنین اعلام کرد که: «من در رأس یک هیأت دولتی به منظور مطالعه‌ی وضع شرکت نفت کویر خوریان و تحصیل اطلاعات در مورد منابع طبیعی نفت شمال ایران، وارد ایران شده‌ام... من نتایج عملیات خود را به اطلاع دولت متبوع خود رسانیده‌ام و اینک به هیأتی که من در رأس آن قرار دارم اجازه داده شده است که پیشنهادی به دولت ایران تقدیم دارد که کشف و استخراج نفت در مناطق شمالی ایران به دولت شوروی واگذار شود...» و ضمناً اشعار داشت که: «من دوبار به حضور اعلی‌حضرت همایون شاهنشاهی بار یافتم و چندین بار در این خصوص با آقای نخست وزیر [محمد ساعد مراغه‌ای] به مذاکره پرداختم و امیدوارم که چنین عمل مهم و مفیدی برای دو کشور با موفقیت انجام شود».

ناگفته نماند که پیش از ورود کافتارادزه، نمایندگان شرکت نفت انگلیس شل و پس از آن نمایندگان دو شرکت نفت امریکایی استاندارد و اکیوم و شرکت سیکلر نیز برای اخذ امتیاز نفت در مناطقی خارج از حوزه‌ی شرکت نفت ایران و انگلیس (سابق) به ایران آمده و مذاکراتی کرده بودند، و آمدن آنان در مجلس شورای ملی نیز منعکس شده بود. در آن تاریخ افکار عمومی مردم ایران با دادن امتیاز به خارجیان سخت مخالف بود، زیرا قوای نظامی شوروی و انگلستان بخش‌های وسیعی از خاک ایران را در تصرف خود داشتند و عملاً دولت ایران در مناطق اشغالی هیچ‌گونه سلطه و قدرتی نداشت. حزب توده‌ی ایران تا پیش از ورود کافتارادزه با اعطای امتیاز به بیگانگان سخت مخالف بود و حتی دکتر رادمنش (عضو فراکسیون حزب توده در مجلس شورای ملی) طی نطقی در مجلس، مخالفت حزب توده را در مورد دادن امتیاز نفت به خارجیان تأکید کرد؛ ولی پس از ورود کافتارادزه به تهران حزب توده از عقیده‌ی خود عدول کرد و خواهان اعطای امتیاز نفت شمال ایران به شوروی شد و روزنامه‌های چپ‌گرا به تبلیغ علنی پرداختند و حزب توده نیز در تظاهرات مورخ پنجم دی ماه ۱۳۲۳ - تظاهراتی که زیر چتر سربازان شوروی در خیابان‌های تهران صورت گرفت - رسماً خواهان اعطای نفت شمال به شوروی شد.



از راست: دکتر شمس‌الدین عالمی، دکتر حسین نجفی  
دکتر جلالی نائینی، هوشنگ قوامی، فضل‌الله کاسمی

جهانی، گرفتن امتیاز نفت از دولت ایران در افکار عمومی کشورهای آزاد جهان خوشایند نخواهد بود و خواهند گفت: شوروی، دولت و ملت ایران را زیر فشار شدید قرار داده و امتیاز کشف و استخراج نفت گرفته است. به نظر من رسیدگی به پیشنهاد شوروی تا خاتمه‌ی جنگ جهانی و خروج کلیه‌ی قوای شوروی و انگلستان و متفقین‌اش از خاک ایران و بازگشت سلطه و اقتدار قانونی دولت ایران در سراسر کشور و آزادی ایرانیانی که در اردوگاه متفقین به سر می‌برند، موکول و متوقف گردد و چون جنگ پایان یافت و پهنه‌ی خاک ایران از وجود سربازان خارجی پاک گشت، دولت ایران می‌تواند در شرایط متساوی با نمایندگان شوروی در کنار هم بنشینند و پیشنهاد شوروی را مطرح و بررسی کنند و تصمیم بگیرند.

آن‌گاه، استاد دکتر ذبیح‌الله صفا گفت: نظر آقای فاطمی بسیار نظر معقول و علمی‌ست و پیشنهاد شوروی پس از خاتمه‌ی جنگ به جریان می‌افتد و بررسی می‌شود و در آن وقت دولت ایران مجال و آزادی خواهد داشت که با نمایندگان شوروی وارد مذاکره شود و به توافقی دست یابند.

استاد نصرالله فلسفی و سایر روزنامه‌نگاران حاضر در جلسه با نظر فاطمی همراه بودند، ولی کمیساروف سخت آشفته و برافروخته شد و گفت: راکد ماندن پیشنهاد شوروی در حکم رد آن است و ما نمی‌توانیم به چنین وعده‌های سر خرمن دل خوش کنیم. چنین کاری تنش شدیدی به دنبال دارد و در روابط همه جانبه‌ی ایران و شوروی اثر نامطلوبی به جای خواهد گذاشت و بر سخن خود افزود که: ما نیاز به نفت شمال ایران داریم، می‌خواهیم و می‌گیریم.

آن‌گاه فاطمی پاسخ داد که همین لحن آمرانه‌ی شما ایجاب می‌کند که پیشنهاد شوروی اکنون به جریان نیفتد تا جنگ پایان پذیرد و ما صاحب خانه و مملکت خودمان بشویم و آن وقت آزادانه صلاح کار خود را نیک می‌دانیم که چه باید بکنیم.

پس از سخنان و اظهارات فوق جلسه‌ی دعوت از چند تن از روزنامه‌نگاران با سردی تمام پایان یافت.

از فردای آن روز به بعد روزنامه‌ها و مجلات ملی یک‌صدا، هر یک با لحن ملایم یا تند با دادن امتیاز نفت به خارجی‌ان در طول جنگ

در این راستا، سفارت شوروی دسته دسته، روزنامه‌نگاران ایران را به سفارت دعوت می‌نمود و آنان را با موافقت با اعطای امتیاز نفت شمال ایران به شوروی تشویق و ترغیب می‌کرد و حتا وعده‌ی دادن کاغذ به روزنامه‌های دوست می‌داد.

یک روز بعد از ظهر هم از حسین فاطمی مدیر روزنامه‌ی **باختر**، استاد نصرالله فلسفی سردبیر روزنامه‌ی **امید ایران**، دکتر ذبیح‌الله صفا مدیر **شباهنگ**، محمد مسعود مدیر روزنامه‌ی **مرد امروز**، احمد ملکی مدیر روزنامه‌ی **ستاره**، حسین مصطفوی مدیر روزنامه‌ی **سرگذشت** و این جانب مدیر روزنامه‌ی **کشور** دعوت شده بود. فاطمی، احمد ملکی و من با هم به سفارت شوروی رفتیم و آن‌جا که وارد شدیم، دیدیم که استاد فلسفی، دکتر صفا،

محمد مسعود و حسین مصطفوی قبلاً آمده‌اند. منظور از دعوت ما روزنامه‌نگاران به سفارت شوروی جلب نظر مدیران جراید مذکور در موافقت با اعطای امتیاز نفت به شوروی بود.

پس از حضور مدعوین، کمیساروف مستشار سفارت شوروی که به زبان فارسی خوب آشنا بود، به مدعوین با تبسم خیرمقدم گفت و اظهار داشت: از این که فرصتی پیش آمده که با آقایان نویسندگان و روزنامه‌نگاران ایرانی دیدار کنم، بسی خوشوقتم. آن‌گاه روی سخن را به آمدن کافتارادزه به تهران سوق داد و گفت: آقایان قطعاً می‌دانند که رفیق کافتارادزه معاون کمیساریای امور خارجه‌ی شوروی در راس یک هیأت بلند پایه برای گرفتن امتیاز نفت شمال ایران به تهران آمده‌اند. چون توافق با درخواست به سود ایران است و موجب شکوفایی اقتصاد دو کشور خواهد شد، مناسب است که مدیران جراید در صفحات روزنامه‌های خود افکار عمومی خلق ایران را از مزایای قبول پیشنهاد شوروی روشن نمایند. ما اکنون زیر بار سنگین جنگ هستیم و نیاز وافر به نفت شمال ایران داریم و دولت ایران با ما متفق و همسایه است و باید برای پیروزی متفقین کمک کند. پیشنهاد شوروی برای کشف و استخراج نفت در شمال ایران در جهت پیشرفت و تقویت بنیه‌ی اقتصاد ایران و شوروی‌ست و هزینه‌ی کشف و استخراج نیز بر عهده‌ی دولت شوروی خواهد بود و ایران از این حیث هزینه‌ی فعالاً پرداخت نخواهد کرد و ما از دوستان ایرانی انتظار داریم در این امر اذهان عامه را روشن کنند و مزایا و منافع این طرح عظیم اقتصادی را به اطلاع همگان برسانند. ضمناً گفت: ما اطلاع پیدا کرده‌ایم که جراید در مضیقه‌ی تهیه‌ی کاغذ هستند و از این رو در نظر داریم برای تسهیل کار روزنامه‌های دوست، کاغذ در اختیارشان بگذاریم و این کار را خواهیم کرد.

آقای حسین فاطمی مدیر **باختر** در پاسخ اظهارات کمیساروف گفت: اکنون بخش‌های وسیعی از خاک مقدس ایران در تصرف ارتش‌های شوروی و انگلستان است و دولت ایران در نواحی اشغالی و متصرفی به کلی قادر به اِعمال حاکمیت ملی و سلطه‌ی قانونی خود نیست. در چنین اوضاع و احوال و شرایطی در بحبوحه‌ی جنگ

# روابط ایران و اسرائیل

محسن رضوی

□ اخیراً آقای احمدی نژاد رئیس‌جمهور کشورمان در مقام دفاع از حقوق اعراب و لزوم بیرون‌راندن یهود از فلسطین سخنانی گفته‌اند؛ شما هم در ماهنامه در شماره‌ی دوم (اردیبهشت ۱۳۸۳) مقاله‌یی راجع به روابط ایران و اسرائیل در قبل از انقلاب نوشته‌اید؛ لازم دانستم اطلاعات مفید دیگری را در این زمینه به اطلاع خوانندگان برسانم. اما قبل از هر چیز می‌خواهم بگویم موضع آقای دکتر احمدی نژاد در خصوص اسرائیل، بر محبوبیت دولت جمهوری اسلامی ایران در بین اعراب و مسلمانان افزوده، هر چند دولت‌های غربی این موضع‌گیری را نشانه‌ی جنگ‌طلبی مسلمین شمرده و می‌گویند فرصت مسلح‌شدن به انرژی هسته‌یی را باید از ایران سلب کرد.

باری، سازمان ملل متحد در آوریل ۱۹۴۷ به منظور بررسی موضوع فلسطین با شرکت نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل متحد کمیته‌ی یازده نفر از کشورهای استرالیا، کانادا، گواتمالا، هندوستان، ایران، هلند، پرو، سوئد، چکسلواکی، اوروگوئه و یوگسلاوی تشکیل داد تا پس از تحقیق و بررسی‌های لازم، پیشنهادات خود را به منظور حل مسالمت‌آمیز فلسطین ارائه دهند.

شاخه‌ی اکثریت اعضای کمیته‌ی ویژه‌ی فلسطین (کانادا، چکسلواکی، گواتمالا، هلند، پرو، سوئد و اروگوئه) طرح تقسیم فلسطین به دو کشور مستقل عرب و یهود را همراه با یک منطقه‌ی بین‌المللی در بیت‌المقدس ارائه داد. اما گروه اقلیت کمیته‌ی ویژه (ایران، هند و یوگسلاوی) تقسیم فلسطین را غیرعملی و غیرموثر و برخلاف منافع اعراب دانست. آن‌ها معتقد بودند که رفاه کلی کشور و تمامی مردم آن بر آمال یهودیان برای تاسیس کشور یهودی برتری دارد. بنابراین، پیشنهاد یک کشور مستقل فدرال را در فلسطین ارائه دادند.

فضل‌الله نورالدین کیا - معاون اداره‌ی سازمان ملل متحد وزارت امور خارجه - که از نزدیک شاهد فعالیت‌های نمایندگان ایران در کمیسیون ویژه بوده است، درباره‌ی مواضع ایران نسبت به مسالمت‌آمیز فلسطین در کتاب **خاطرات** خود می‌نویسد:

نصرالله انتظام - رئیس نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل - به اتفاق دکتر علی‌قلی اردلان - مستشار سفارت ایران در آنکارا - برای شرکت در این کمیسیون به فلسطین عزیمت نموده بودند و بیش‌تر گزارش کمیسیون، مدیون نظریه و کاردانی آن‌ها می‌باشد... نمایندگی ایران در بدو ورود به فلسطین با دو سیاست متضاد مواجه گردید:

و با حضور قوای خارجی در ایران مخالفت کردند. روزنامه‌ی **باختر** در سرمقاله یکی از شماره‌های خود زیر عنوان «برای آقای کافتارادزه ترجمه کنند»، صریحاً اعلام داشت که تا یک سرباز خارجی در ایران است و کشور ما در حال جنگ به سر می‌برد، نباید به این و آن امتیازی داد و اضافه کرده بود: هم‌اکنون در مناطقی که سربازان ارتش سرخ و قوای انگلیس در تصرف دارند، دولت ایران هیچ اختیار و قدرتی ندارد. با چنین وضع متشنجی چه‌گونه ملت ایران می‌تواند تن به دادن امتیاز نفت شمال بدهد و آینده‌ی خود را به خطر بیندازد.

روزنامه‌ی **کشور** نیز سرمقاله‌ی خود را تحت عنوان «آقای کافتارادزه تشریف ببرید» به موضوع نفت شمال اختصاص داد که مورد اعتراض سفیر شوروی واقع شد و از دولت ایران خواست تا روزنامه و مدیرش توقیف و تحت تعقیب قرار گیرد.

روزنامه‌ی **مرد امروز** در صفحه‌ی اول خود کلیشه‌ی تصویرگری از حضرت زرتشت و محمد ساعد تعبیه و انتشار داد که زرتشت در حالی که کلید منابع زرخیز ایران را به ساعد مراغه‌ای نخست‌وزیر اهدا می‌کرد، می‌گفت: «آن را محکم نگاهدار». به‌علاوه روزنامه‌ی **مرد امروز** ترجمه‌ی یک مقاله از یکی از روزنامه‌های کشور سوئیس را با عنوان «آغاز تهاجم شوروی در ایران» در همان شماره درج کرده بود که منجر به شکایت سفارت شوروی و توقیف روزنامه و تعقیب مدیرش شد. در روزنامه‌ی **شباهنگ** دو مقاله‌ی بسیار موثر یکی به قلم دکت ذبی‌الله صفا و دیگری به خامه‌ی دکتر حسین خطیبی انتشار یافت و شدیداً با دادن امتیاز نفت به هر خارجی مادام که قوای بیگانه در خاک ایران هستند، مخالفت شده بود. سایر روزنامه‌های ملی نیز بر همین پایه‌ها مجاهده کردند.

روز سوم آبان‌ماه ۱۳۲۳ کافتارادزه در یک کنفرانس مطبوعاتی که جمعی از روزنامه‌های ملی و چپ‌گرا حضور یافته بودند، اظهار داشت که «جناب آقای نخست‌وزیر در مذاکرات خود با این جانب نه تنها حسن تلقی کامل و واردبودن به موضوع را اظهار نمودند، بلکه وعده داده بودند که برای حل مثبت مسأله کمک و مساعدت نمایند، ولی چنان‌که معلوم است دولت ایران تصمیمی مبنی بر این‌که مطالعه‌ی مسأله‌ی واگذاری امتیاز را به دولت شوروی تا پایان جنگ موکول سازد، اتخاذ نموده که در حقیقت ردّ پیشنهاد ما می‌باشد. این جانب باید به صراحت و به‌طور آشکارا اظهار نمایم که تصمیم فوق در محافل شوروی کاملاً به طور منفی تلقی گردیده است. افکار عمومی شوروی بر این عقیده است که دولت جانب آقای ساعد به‌وسیله‌ی اتخاذ چنین رویه‌ی درباره‌ی پیشنهاد دولت شوروی در راه تیرگی مناسبات بین دو کشور قرار گرفته است. دولت جناب آقای ساعد به نفع تصمیم اتخاذی خود هیچ دلیل قانع‌کننده‌ی، نیاورده است...»

کافتارادزه در پایان اظهارات خود گفت: «... ضمناً هم امیدوار می‌باشم که افکار عمومی ایران که مطبوعات آزادی طلب ایران نماینده‌ی آن می‌باشد در پیشرفت این کار سهیم خواهد بود...»

چهار روز پس از کنفرانس مطبوعاتی کافتارادزه، محمدساعد در کاخ وزارت امور خارجه با حضور ارباب قلم به بیانات کافتارادزه پاسخ داد و این پاسخ در مجلس شورای ملی، روزنامه‌های ملی و افکار عمومی با حسن اثر مواجه شد. ■

۱- از آن جا که اعراب با ایران از قدیم الایام، پیوسته روابط فرهنگی و اقتصادی داشتند و از طرف دیگر وجه اشتراک مذهب اسلام نیز پیوسته ما را با آن‌ها دارای منافعی مشترک ساخته بود، خواهی نخواهی ما نمی‌توانستیم با آن‌ها مخالفت نماییم؛

۲- یهودی‌ها (نیز) دارای ثروت و نفوذ سرشاری در دنیا به خصوص در امریکای شمالی بودند؛ لذا نمایندگان ما با توجه به منافع ملی نمی‌خواستند صراحتاً با یهودی‌ها مخالفت نمایند و اصولاً از طرف دیگر، تا آن تاریخ سیاست ایران در فلسطین بر اساس بی‌طرفی استوار بود؛

لذا برای این که به طرفداری از اعراب و یا یهود متهم نشده و ضمناً از حق هر دوی آن‌ها هم دفاع کرده باشد، موافقت دولتین هند و یوگسلاوی را جلب نموده و طرح یک کشور ائتلافی از یهود و اعراب را که ضمناً وحدت فلسطین نیز در آن محفوظ بماند، پیشنهاد نمود. نصرالله انتظام راجع به مناقشه‌ی اعراب و اسرائیل و تصمیمات متخذه در خصوص تقسیم فلسطین، گزارش مفصلی را به وزارت امور خارجه ارسال کرد. توجه به این گزارش، علاوه بر دارابودن نکته‌های قابل توجه، به جهت اهمیت مساله‌ی فلسطین در نزد مردم جهان پس از گذشت بیش از پنجاه سال می‌تواند ما را با فضای آن زمان و تصمیم ناعادلانه‌ی قدرت‌های بزرگ و سازمان ملل آشنا سازد. در این گزارش وی با اشاره به ویژگی‌های طرح پیشنهادی خود (گروه اقلیت) معتقد است اگر اعراب آن را مورد پذیرش قرار داده بودند، منافع آن‌ها تامین می‌شد. انتظام در این ارتباط می‌نویسد:

«برای این که خود را به طرفداری اعراب متهم نساخته و ضمناً از نظرات حقه‌ی آن‌ها دفاع کرده باشیم، طرحی پیشنهاد کردم و موافقت نمایندگان هند و یوگسلاوی را هم جلب نمودم. طرح این جانب مبنی بر ایجاد دولت ائتلافی Estat federal بود که از یهود و عرب تشکیل گردد و وحدت فلسطین محفوظ ماند...»

خلاصه آن از این قرار است که عرب و یهود در امور داخلی مستقل باشند و حکومت مرکزی به وسیله‌ی دو مجلس که یکی نماینده‌ی مستقیم اهالی و به آرای مستقیم، انتخاب و دیگری به عده‌ی مساوی از نمایندگان انتخابی عرب و یهود تشکیل گردد، اداره شود. رئیس کشور را از این دو مجلس انتخاب (می‌کنند) و دولت هم در مقابل آن‌ها مسوول خواهد بود. کلیه‌ی قوانین باید به تصویب هر دو مجلس برسد و در صورت بروز اختلاف بین مجلسین، رأی کمیسیون مخصوص که به کمیسیون وساطت معروف و به ترتیب ذیل انتخاب خواهد شد (رئیس کشور، یک نماینده از طرف هر یک از مجلسین و دو نفری که دیوان عالی تعیین نماید) قاطع خواهد بود. اگر این پیشنهاد قبول می‌شد، منافع اعراب را که اکثریت با آن‌هاست، تامین می‌نمود و چون اختیارات حکومت مرکزی را زیاد منظور داشته و حل قضیه‌ی مهاجرت را که اساس اختلاف است، به دولت مرکزی محول کرده بودیم، دیگر نگرانی برای اعراب باقی نمی‌ماند...»

اما یهودی‌ها با پیشنهاد طرح تقسیم (گروه اکثریت) موافق بودند. وی به طور خلاصه درباره‌ی خصوصیات طرح تقسیم می‌نویسد:

«اساس این است که فلسطین به دو دولت مستقل عرب و یهود منقسم گردد. منتها چون این خاک فقیر، توانایی این که جدا جدا حواجی اقتصادی دو دولت را برآورد، ندارد، قرار شد اتحاد اقتصادی و گمرکی بین آن‌های ایجاد گردد تا قسمت اعظم مخارج دو دولت از محل عواید

مشترکه مانند گمرک، پست، تلگراف و... تامین گردد. ضمناً شهر قدس (که بیت‌المقدس می‌گوییم) که از عرب و یهود تشکیل گردیده و کعبه‌ی مسیحیان است، وضع خاصی داشته و به صورت بین‌المللی تحت نظر شورای قیمومت ملل متحد اداره شود، یهودیان با پیشنهاد تقسیم موافق بوده و از روز اول موافقت خود را اعلام داشتند و با ایجاد دولت ائتلافی مخالفت نمودند...»

انتظام، دیدگاه قدرت‌هایی هم‌چون امریکا، شوروی و اتحاد آن‌ها را بر سر تقسیم فلسطین چنین مطرح می‌کند:

«در طی این مذاکرات، نماینده‌ی شوروی هم که تا آن وقت رویه‌ی آن‌ها معلوم نبود و اعراب هم به امید جلب موافقت آن کشور از هیچ نوع معاشرت با آن‌ها خودداری نداشتند، با تقسیم فلسطین موافقت نمود. بقیه‌ی دول معظم که فرانسه و چین باشند؛ بیانات مجملی نموده، نظر صریحی اظهار نداشتند. از آن‌جا که اکثریت نمایندگان دول آمریکای لاتین هم طرفدار تقسیم بودند، وضع اعراب مشکل‌تر شد... دولت امریکای لاتین هم طرفدار تقسیم بودند، وضع اعراب مشکل‌تر شد... دولت امریکا هم بر اثر فشار صهیونیون و نفوذی که کلیمیان در این کشور دارند و انتخاب رئیس‌جمهوری هم در پیش است، به عواقب وخیم تصمیم خود پی نبردند و آن‌چه را که دولت شوروی می‌خواست که بلوایی در آن‌جا برپا شود، فراهم آوردند و نفوذی که در پیش دول عرب داشتند، لاقلاً برای مدتی از دست دادند و با وجودی که وزارت خارجه‌ی خودشان هم با این عمل موافق نبود، به‌نظر او وقعی نگذارند، شاید دیر یا زود از این کرده پشیمان شوند؛ زیرا اگر دنبال کار را نگیرند و از نیمه راه برگردند، مجمع عمومی را مفتضح ساخته و مقصود دولت شوروی را که مبنی بر ضعف مجمع عمومی و تقویت شورای امنیت است، تامین کرده‌اند و اگر به قوه‌ی جبریه تصمیم مجمع را اجرا کنند، به‌جای این که قوای خود را در دفاع از حق به کار برند، در راه نامشروع مصرف کرده‌اند...»

وی درباره‌ی سوء سیاست اعراب در قضیه‌ی فلسطین و رویه‌ی نامناسب آن‌ها می‌نویسد:

«رویه‌ی سخت دول عرب و این که نخواستند، به نصایح هیچ کس گوش دهند و به حقیقت پی برند، در پیشرفت منظور یهود موثر واقع شد... چون در سر دعوای فرانسه راجع به پس‌بردن قوا از سوریه و لبنان، کمک باطنی درون امریکای لاتین را دیدند، غره شدند و تصور کردند آن دول در سر قضیه فلسطین هم از آنان پشتیبانی خواهند نمود. هر چه بنده از اردیبهشت امسال که مجمع عمومی فوق‌العاده تشکیل گردید، به (گوش) آن‌ها خواندم که از اشتباه بیرونشان بیاورم و بفهمانم که اگر روی مساعد نشان ندهید و رویه‌ی افراطی را ترک نکنید، کسی طرف شما را نخواهد گرفت، گوش نداده، بلکه از این نصایح رنجیده، می‌گفتند: تذکراتم از عالم‌دوستی و هم‌کیشی که با ایران داریم، دور است.»

... حتا روزنامه‌های عراق از این که دو نماینده‌ی مسلمان که ایران و هند باشند، حاضر به قبول چنین راه‌حلی شده‌اند، گله کرده و ما را مرتد خواندند و حال این که خوب می‌دانستند که مساعدت بیش از این مقدور نبوده است... (به هر حال) اعراب در قضیه فلسطین به قدری سوسیاست به خرج دادند که دو دولتی مثل امریکا و شوروی را که در همه‌ی مسائل با هم در جنگ و ستیزند، سر تقسیم فلسطین متحد ساختند و آتشی در شرق برپا کردند...» ■